



## شرکت در کلاس های تئاتر، اعتماد به نفس را بالا برده است

برگزار نمی شد، محروم بودم. البته باید بگویم با تمام این مشکلات بودن با بچه ها را بسیار دوست داشتم.

الله تا چند سال پیش دختری خجالتی بود. به دلیل مشکل در تکلم، در اکثر مواقع سکوت اختیار می کرد، تا جایی که یکی از آموزگاران جدید مدرسه گمان کرده بود او به طور کلی قادر به سخن گفتن نیست. مادر الله در این سال ها هم از او مراقبت کرده و هم دوست خوبی برایش بوده است. تکالیف او را انجام می داد و می نوشت. چرا که الله نمی توانست این کارها را به راحتی انجام دهد. با این حال همه تکالیف و دروس را خودش فرا می گرفت و نمره های خوبی نیز در کارنامه اش بود و از نظر هوش و استعداد یادگیری در سطح قابل قبولی بود. هر چند پزشک معالج او معتقد

نام کرده، مدت ها بود دنبال چنین فضایی می گشتم که الله بتواند با افرادی که مشکل مشابه او را دارند، آشنا شود و بداند که تنها نیست. " الله که در مدارس معمولی تا مقطع دبلم تحصیل کرده است، می گوید: "مشکل من مادرزادی است، اما از کلاس چهارم ابتدایی که روی صندلی چرخ دار نشستم، متوجه شدم که مشکلی جدی دارم. مشکلاتی که در مدرسه عادی با آنها دست به گریبان بودم، بسیار بود. علی رغم همکاری بسیار مدیر مدرسه و کمک بچه ها، تردد از مدرسه تا خانه و در محیط مدرسه، دشوار بود. تنها فرد معلول من بودم و این موضوع ناراحتی می کرد. همه ی دخترهایی که دور و برم می دیدم، سالم بودند و من به دلیل وضعیت جسمانی، حتی از شرکت در کلاسهایی که در طبقه همکف

الله را دوبار در مجتمع آموزشی - تیکوکاری رعد کرج و در گروه نمایش دیدم. دختری جوان که روی صندلی چرخ دار است و علاقه ی فراوانی به تئاتر دارد. الله بیست سال دارد و مدت سه سالی می شود به عضویت رعد کرج در آمده است.

او در خانواده ای نسبتاً کوچک زندگی می کند و یک برادر کوچک تر دارد. هر چند کمی در تکلم دچار مشکل است، اما اعتماد به نفس بالایی که شرکت در کلاس های گوناگون و برقراری روابط اجتماعی با هم سالانش به او داده، سبب شده با روی باز و بدون خجالت با ما سخن بگوید و مشکلاتش را باز گو کند.

مادر الله می گوید: "چند سال پیش، تبلیغات موسسه ی رعد کرج به دستم رسید و پس از پیگیری، الله را در این آموزشگاه ثبت

بود که نباید زیاد به او فشار آورد، زیرا تعادلش را از دست خواهد داد. به همین دلیل خود و مادرش چندان تمایلی به پیگیری ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه نداشتند.

الهه در دوکلاس ورزش و تئاتر موسسه‌ی رعد شرکت می‌کند. از سال گذشته دو نمایش در موسسه رعد اجرا شده که الهه در هر دو شرکت داشته است؛ یکی با عنوان: "عشق، معلول و غیر معلول نمی‌شناسد" و دیگری راجع به موانع و مشکلات پیش روی معلولان. او

می‌گوید: "کلاس‌های این چا را خیلی دوست دارم. دو روز در هفته همراه با مادرم به این چا می‌آیم. اوایل که با این موسسه آشنا شدم، به قدری خجالتی بودم که حتی یک کلمه هم حرف نمی‌زدم. اعتماد به نفسم به شدت پایین بود. حدود یک سال طول کشید تا با بچه‌ها و اساتید گرم گرفتم دوستان خوبی پیدا کردم. یادم است استاد کلاس تئاتر به شوخی می‌گفت باید با انبردست دهان الهه را باز کرد و حرف کشید"

فرهنگ سازی برخورد با معلولان، به عهده‌ی رسانه‌هاست. مادر الهه در خصوص نگاه مردم و برخورد آن‌ها در اجتماع می‌گوید: "درست است که برخی نگاه‌های ترحم آمیز در کوچه و بازار، معلولان و خانواده‌هایشان را ناراحت می

کند. اما شاید ما هم انتظار توقع زیادی از آن‌ها داریم. همه که فرزند معلول در خانه ندارند تا با مشکلات ما آشنا باشند. از طرفی نمی‌توان در طول روز برای تک تک عابریان و رهگذران توضیح داد که معلولان چه مشکلاتی دارند و چه برخوردهایی نادرست است. به نظر من فرهنگ سازی این موارد به عهده‌ی رسانه‌ها و صدا سیما است."

او در خصوص اعتماد به نفس پایینی که الهه تا چند سال پیش داشته می‌گوید: "گاهی با خودم فکر می‌کنم که شاید ما خودمان دلیل اعتماد به نفس پایین او بوده‌ایم. شاید ۱۲ سال حضور میان دانش آموزان معمولی و تحصیل در مدرسه‌ای که همه‌ی دانش آموزان از سلامت جسمانی کامل برخوردار بودند. سبب شده بود که او اعتماد به نفس خود را از دست بدهد."

مادر الهه که اولین بار با دیدن اعتماد به



نفس دخترش در اجرای نمایش جلوی همه شگفت زده شده است، می‌گوید: "پس از نمایش با خودم گفتم کاش زودتر با این مرکز آشنا می‌شدم. در این محل به معلولان بسیار توجه می‌شود. و حضور در کلاس‌های آموزشی موسسه رعد و ارتباط با افراد دچار معلولیت، سبب پیشرفت و ترقی معلولان می‌شود. توجه کم به معلولان سبب شده بسیار

منزوی و گوشه‌گیر شوند و تنها در محیط خانه میان خانواده شان اعتماد به نفس داشته باشند. این معلولان هم جزء افراد این شهر هستند. همان قدر از امکانات و توجه سهم دارند که دیگر شهروندان. متأسفانه این امر میان مسئولان نادیده انگاشته می‌شود"

الهه در خانه اکثراً تلویزیون نگاه می‌کند و کتاب می‌خواند. کتاب‌های رمانتیک را خیلی دوست دارد. دلش می‌خواهد تنها بیرون برود اما بدون کمک نمی‌تواند. تکان

دادن ویلچرش تا حدودی راحت است. اما ویلچرهایی که چرخ بهتری دارند و برای تردد در سطح شهر و روی آسفالت خیابان مناسب هستند قیمت بسیار بالایی دارند.

مادر الهه در پایان ضمن تشکر از مدیر مجموعه رعد؛ خانم ظفرجویان که توجه ویژه‌ای به معلولان و شرایط آنان دارند، می‌گوید: "مشکلات زیاد است، خیابان‌های شهر برای تردد ویلچر مناسب نیست. مسئولان باید این مسائل را هم در نظر بگیرند همه اقتضای قضایی در رسانه‌ها و صدا سیما دارند جز معلولان و جانبازان که قشر عظیمی از کشور را تشکیل

می‌دهند. پیشنهاد من این است که برنامه‌هایی تهیه شود که در آن به مشکلات و معضلات معلولان پرداخته شده، دلایل گوشه نشینی و انزوای آن‌ها در جامعه شناسایی شود و پیشرفت‌هایی که داشته‌اند به عموم ارائه شود تا معلولان نیز با دیدن ترقی هم نوعان خود، اعتماد به نفس دو چندان پیدا کنند." گرد آورنده: نسترن کیوان پور